

زبان و ادبیات فارسی

آینه‌های جاری

(برگزیده‌ی متون نظم و نثر پارسی و آیین محارث)

برای تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

نگارنده: دکتر سیاوش نریمان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهدشت

سرشناسه: نریمان، سیاوش، ۱۳۴۴.
 عنوان و پدید آورنده: زبان و ادبیات فارسی آینده‌های جاری (برگزیده‌ی متون نظم و نثر پارسی
 و آیین نگارش) برای تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی/نگارنده سیاوش نریمان.
 مشخصات نشر: قم، آبات ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۲۵۰ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۷۷-۵-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: ادبیات فارسی - مجموعه‌ها
 رده‌بندی کنگره: PIR۴۰۰۵
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۰/۸ فا
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۰۴۹۶۶۰



انتشارات آبات

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه

عنوان کتاب: زبان و ادبیات فارسی آینده‌های جاری
 نویسنده: سیاوش نریمان
 ناشر: آبات
 تیراژ: ۵۰۰ جلد
 نوبت چاپ: چاپ اول / ۱۳۹۸
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست *

۹	پیش درآمد
۱۳	یادهای سبز
۱۴	تحمیدیه
۱۵	فصل اول: درآمدی بر ادبیات حماسی
	ابوالقاسم فردوسی: داستان بیژن و منیژه / رزم رستم زال با افراسیاب / خلاصه‌ای از داستان هفت
۱۹	خان یا هفت خوان رستم
۳۱	سیاوش کسرایی: نبرد سپاه ایران با سپاه افراسیاب تورانی / آرش کمانگیر
۳۹	فصل دوم: درآمدی بر ادبیات غنایی
۴۳	بابا طاهر عریان: دوبیتی‌های باباطاهر
۴۵	خیام نیشابوری: رباعیات خیام
۴۷	نظامی گنجوی: بردن پدر، مجنون را به کعبه
	عطار نیشابوری: حکایت پروانگان با شمع / ذکر رابعه (رحمة الله علیها) / ذکر فضیل عیاض (رحمة
۵۰	الله علیه) / ذکر ابراهیم بن ادهم (رحمة الله علیه) / ذکر بایزید بسطامی (رحمة الله علیه)
	جلال‌الدین مولوی: خاریدن روستایی در تاریکی، شیر را به ظن آنک گاو اوست / دلا نزد کسی
۵۵	بنشین که او از دل خبر دارد

* انتخاب بخش‌هایی از متون این کتاب برای تدریس فارسی پیش نیاز به همکاران گرانمایه پیشنهاد می‌شود.

سعدی شیرازی: سرّ عشق / درد اشتیاق / اشتیاق جمال / حکایت (۱) / حکایت (۲) / حکایت (۳)

- ۵۷ حکایت (۴) / حکایت عابد و استخوان پوسیده
- ۶۱ خواجه‌ی کرمانی: ملک سلیمان
- ۶۲ سلمان ساوجی: دل و دیده
- ۶۳ حافظ راز شیراز: باده‌ی شبگیر / رمیده دل / شهره‌ی شهر / خلوت انس
- ۶۶ فخرالدین عراقی: دیده‌ی پُر آب
- ۶۷ صائب تبریزی: سرشک گرم
- ۶۸ بیدل دهلوی: بانگ درای
- ۶۹ محمد حسین شهریار: جرس کاروان
- ۷۰ رهی معیری: حدیث جوانی
- ۷۱ عماد خراسانی: مرغ پُرسوخته / آه سرد
- ۷۳ فصل سوم: درآمدی بر ادبیات تعلیمی
- ۷۶ شاهنامه‌ی فردوسی: فرهنگ
- ۷۶ حالات و سخنان ابو سعید ابوالخیر: حکایت شیخ شبلی و قصاب / حکایت شیخ جنید و مست ..
- گلستان سعدی: بانگ درشت مؤذن / رنج بیهوده / سخن چین بدبخت / حکایت دختر فقیه و نابینا /
- ۷۸ اهل فضیلت همیشه محرومند / من آنم که می‌دانم
- ۷۹ نصیحة الملوک امام محمد غزالی: خسرو پرویز و صیاد
- ۸۰ نظامی عروضی سمرقندی: آرد نماند
- لطایف الطوایف فخرالدین علی صفی: حکایت بخیل و حکیم / حکایت طیب و مردگان گورستان /
- ۸۱ حکایت عرب بیابان نشین
- ۸۳ کلیله و دمنه: مرد غافل
- ۸۵ قابوسنامه: در پیری و جوانی
- ۸۷ فخرالدین عراقی: حکایت عاشق جانباز
- ۸۸ ناصر خسرو: کشته‌ی زار / چنار و کدوبن / از ماست که برماست
- بوستان سعدی: ره نیکمردان / ز بهر نهادن چه سنگ و چه زرّ /
- ۹۰ حکایت مرد صحرا نشین و دخترش
- مثنوی معنوی: قصه‌ی آن مرغ گرفته کی وصیت کرد کی بر گذشته پشیمانی مخور
- ۹۲ / بازار عطاران

۹۵	پروین اعتصامی: دزد و قاضی / نکوهش بیجا
۹۷	پرویز ناتل خانلری: عقاب
۱۰۱	فصل چهارم: درآمدی بر ادبیات داستانی
۱۰۶	صادق هدایت: سه قطره خون
۱۱۵	صادق چوبک: داستان کوتاه قفس
۱۱۸	سید ابراهیم گلستان: ماهی و جفتش
۱۲۰	جلال آل احمد: سه تار
۱۲۵	اسلامی ندوشن: با فرهنگ و بی فرهنگ
۱۳۰	سید محمد علی جمال زاده: ویلان الدوله
۱۳۵	هوشنگ مرادی کرمانی: چکمه
۱۴۵	یعقوب یادعلی: داستان تیمسارها و دکها
۱۴۹	فصل پنجم: درآمدی بر ادبیات عرفانی
۱۵۳	خواجه عبدالله انصاری: گلچینی از سخنان پیر هرات
۱۵۴	مصیبت نامی عطارنیشابوری: گورکن / عاشقی که خود را در پی معشوق به آب افکند
۱۵۵	منطق الطیر عطارنیشابوری: حکایت پیرزنی که به ده کلاوه‌ی ریسمان، خریدار یوسف شد
۱۵۶	کشف المحجوب: دیدار حج
۱۵۷	سنایی غزنوی: حکایت بقراط / کرشمه‌ی نگاه
۱۶۰	کیمیای سعادت: کالبد ظاهر و معنی باطن
۱۶۱	کلیات شمس تبریزی: دولت عشق
۱۶۲	مثنوی معنوی: قصه‌ی مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورت‌گری
۱۶۳	غزلیات سعدی شیرازی: بوی مهر / حقیقت عشق
۱۶۴	حافظ شیرازی: قصر امل
۱۶۵	فصل ششم: درآمدی بر ادبیات انتقادی
۱۶۸	حافظ شیرازی: زهد ریا
۱۶۸	گلستان سعدی: حکایت همسایه و جهود

- رساله‌ی دلگشای عید زاکانی: حکایت (۱) / حکایت (۲) / حکایت (۳) ۱۶۹
- بهارستان جامی: ناینا و فضول / حکمت / بهلول و هارون الرشید ۱۶۹
- پژمان بختیاری: حکایت میمون ۱۷۱
- لطایف الطوائف: شاعر دزد / طبق انجیر ۱۷۱
- مصیبت نامه‌ی عطار نیشابوری: عقلای مجانین / حکایت (۱) / حکایت (۲) / حکایت (۳) ۱۷۲
- مقالات شمس تبریزی: چنان نازنین نیستی ۱۷۳
- گلستان سعدی: گدایی برتر است از پادشاهی ۱۷۴
- ابوالقاسم حالت: تفرقه بینداز و حکومت کن ۱۷۵
- گل آقا: دو کلمه حرف حساب ۱۷۷
- فصل هفتم: درآمدی بر ادبیات معاصر و نوگرایان ۱۷۹
- نیما یوشیج: هست شب / داروگ ۱۸۵
- شاملو: افق روشن / پرواز ۱۸۷
- سیاوش کسرایی: تنهایی ای درخت ۱۸۸
- فریدون مشیری: در ایوان کوچک ما ۱۹۰
- هوشنگ ابتهاج (سایه): شبگیر / تا تو با منی ۱۹۳
- سیمین بهبهانی: هوای گریه / فعل مجهول ۱۹۵
- مهدی اخوان ثالث: زمستان / دو دریچه ۱۹۹
- سهراب سپهری: ... و پیامی در راه / آب را گل نکنیم ۲۰۲
- نادر نادرپور: شعر انگور ۲۰۵
- فروغ الزمان فرخزاد: هدیه / آواز قناری / پرنده مردنی است! ۲۰۷
- شفیعی کدکنی: بخوان به نام گل سرخ / حلاج ۲۰۹
- حسین منزوی: باغی از ستاره ۲۱۳
- حسین پناهی دژکوه: مروارید / زبان گل‌ها / عابد / لحظه ۲۱۴
- قبصر امین‌پور: حسرت همیشگی / پرسش بی‌جواب ۲۱۶
- سلمان هراتی: دلم گرفته از این روزها / سجاده‌ام کجاست ۲۲۰
- کاووس حسن‌لی: صدای یخ زده / چشمم به راه ماندم ۲۲۲
- محمد کاظم کاظمی: مسافر ۲۲۲

رباعی‌های امروزم: قیصر امین‌پور / حسن حسینی / میلاد عرفان‌پور / ایرج زبردست / مصطفی علیپور / جلیل صفر بیگی.....	۲۲۳
فصل هشتم: آیین نگارش.....	۲۲۵
یادآوری نشانه‌های نگارشی (۱).....	۲۲۵
یادآوری نشانه‌های نگارشی (۲).....	۲۳۰
درست بنویسیم.....	۲۳۳
حُسن ختام: بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ.....	۲۴۵
کتابنامه.....	۲۴۷

پیش درآمد

از روزگاران کهن، دستگاه پیچیده‌ی زبان ابزاری بود مبارک در اختیار حکیمان، شاعران و نویسندگان تا بدان وسیله، انسان تشنه‌ی معرفت را با سرمایه‌ها و گوهرهای پنهانی وجودی‌اش آشنا کند و به بهشت گمشده‌اش رهنمون سازد. نویسندگان و سرایندگان با استفاده از اهرم زبان و سحر بیان در معرفی و نمایاندن یک جامعه‌ی آرمانی که زمینه‌ی رشد عدالت، آرامش و امنیت، رفاه و کمال مطلوب انسانی را در خود فراهم آورد، بسیار کوشیده‌اند و به کالبد نیمه جان آدم‌ها، روح حیات معنوی و امید به آینده‌ای روشن را دمیده‌اند. این هنرمندان چیره‌دست، سلسله جنبان کاروان آرمانشهری‌اند تا جهانی زینده‌ی زیستن انسان آرمانخواه بیافرینند و با الهام از سرچشمه‌ی زلال عشق و معرفت، دریچه‌ی امید، پاکی و روشنایی را به روی آنان که چشم به راه رایحه‌ی بهار خوبی‌ها هستند، بگشایند. شیوا زبانی و شیرین بیانی در راه آفریدن دنیایی زیبا و پیراسته از خوی‌های ناپسند و آداب ناروا، هنر ناب این حکیمان و سخنوران بشکوهی است که از گذشته تا کنون، عام و خاص از بوستان پر بارشان خوشه‌های معرفت می‌چینند و از عطر آثارشان جانی دوباره می‌گیرند. اگر بگوییم این سلسله، بسان هدیه‌د عشق‌اند که راهپویان و مریدان را تا بارگاه حضرت سیمرغ، راهبر شده‌اند، سخنی به گزافه نگفته‌ایم. این نویسندگان و شاعران با آفرینش‌های بدیع خود که مبتنی بر عناصر خیال و عاطفه است، در سپهر ادب و عرفان درخشیدند و پرتو افکندند و این چنین در ذهن و زبان روزگاران، جاودانه شدند. شعر، این کلام موزون سحرانگیز، تأثیرگذار و

زیبا که با احساس، عاطفه، اندیشه و موسیقی پیوند و آمیختگی شگرفی دارد، نیز بیش از سایر عناصر توانسته است بار سنگین روشنگری، آزادی‌خواهی و همچنین لطایف بلند حکمی و عرفانی را به دوش بکشد و به سرمنزل مقصود برساند. برای دانش پژوهان، دانشجویان و شیفتگان سخن شکرین پارسی، واکاوی و آشنایی با سرمایه‌های گرانسنگ فرهنگ و ادب ایران زمین بیش و پیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد. باید با مفاخر ادبی و عرفانی و آفرینشگران نظم و نثر این سرزمین که با خلق آثار بشکوه و فاخر خود، حیرت و شگفتی مشاهیر و سخن‌سرایان دیگر ملل را موجب شده‌اند، آشنا شد و نگذاشت برآینه‌ی تابناک این اسطوره‌های همیشه مانا و آثار بجای مانده از آنان، غبار فراموشی بنشیند. شاعران و سخنوران این دیار کهن، حکیمانی بوده‌اند که اندیشه‌های حکمی، فلسفی و عرفانی را در قالب آثار و سروده‌های خود به دوستاران و جان‌های تشنه و عطشناک تقدیم نموده‌اند. امروزه به موازات رشد و پیشرفت خیره‌کننده‌ی صنعت و گسترش فضای مجازی سرگرم‌کننده که تا حدودی تأثیر ناگواری بر روابط عاطفی، انسانی و آرامش و سکون معنوی بشر گذاشته است، بازشناسی و بهره‌گیری از اندیشه‌های لطیف این حکیمان و عارفان که پیامبران اخلاق، حکمت، عشق و مهرورزی‌اند، می‌تواند موجب تلطیف روابط انسانی و زبانی و تسکین دردهای مشترک بشر گردد. پسندیده‌تر آن است که به روی نسیم سخنان و حکمت‌های حکیمانی چون فردوسی، خیام، نظامی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ آغوش جان بگشاییم و از دریای جان آن «خوبان پارسی گوی» ذرّ خوشاب بگیریم. علاوه بر شاعران و عارفانی که در خلق اشعار نغز و پُرمایه، آثاری کم‌نظیر از خود بر جای نهاده‌اند، در عرصه‌ی نثر نیز نویسندگانی بلند آوازه در این سرای کهن قد برافراشته‌اند که گنجینه‌هایی فاخر چون: کلیله و دمنه، تاریخ بیهقی، مرزبان‌نامه، قابوس‌نامه، تذکره الاولیا، اسرارالتوحید، مرصادالعباد، کشف‌المحجوب، گلستان و دهها مقاله و سفرنامه برای فرزندان این سرزمین گهربار به یادگار گذاشته‌اند که همگی چون ستاره‌های درخشان در آسمان ادب ایران و جهان می‌تابند و جلوه‌گری می‌کنند. بازبینی و بازآفرینی این متون جان‌نواز ادب پارسی، نوعی بزرگداشتِ آنانی است که در آفرینش

و باروری‌اش، عرق روح ریخته‌اند تا امروز در سایه‌ی این درخت تناور و بارور، لختی بیاساییم و از شهد شکرینش کام جان را سیراب کنیم. اینان فریاد رسای ابناء بشر در رهگذر تاریخ‌اند و به خاطر خوب سخن گفتن و گفتنِ سخن خوب به چنان جایگاهی دست یافته‌اند که به تعبیر نظامی گنجوی، در صف بعد از پیامبران جای گرفته‌اند. هدف نگارنده از تدوین و ساماندهی مجموعه‌ی حاضر، آشنایی دانشجویان و دانش پژوهان ارجمند با آفرینش‌های ادبی دانشمندان و ادیبان سخن سنج و باریک بین این مرز و بوم است که با زبان هنر، سخن می‌گویند و مشام جان را با اندیشه‌های زلال ادبی و عرفانی خود نوازش می‌دهند. گر چه انتخاب متون نظم و نثر از میان انبوه آثار گذشتگان و معاصران، کاری دشوار است و پاسخگویی به ذائقه‌ها و سلیقه‌های استادان ارجمند در تدریس این متون، قدری دست نیافتنی و دشوارتر به نظر می‌رسد، به هر حال، سعی بر آن بوده که از بهترین اشعار و نثرهای فربه و فاخر شاعران و نویسندگان، گلچینی جالب توجه و شایسته، انتخاب و برگزیده شود. این کتاب در قالب هشت فصل برای تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی گردآوری شده است.

در پایان این پیش‌درآمد، یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که در این اثر به ادبیات حماسی، غنایی، تعلیمی، داستانی، عرفانی، انتقادی، معاصر و آیین نگارش پرداخته شده و در هر کدام از این فصل‌ها، متون نظم و نثری که با آن فصل، تناسب بیشتری داشته باشد، گنجانده شده است. از دیدگاه استادان و محققان بنام ادب پارسی، اختصاص دادن متون نظم و نثر به یکی از انواع ادبی و این که فلان شعر یا نثر، دقیقاً به ادبیات غنایی، تعلیمی و یا عرفانی ارتباط و وابستگی صرف داشته باشد، کاری ست دشوار و ناپذیرفتنی. بنابراین صرفِ گنجاندن متونی از نظم و یا نثر در یک فصل از کتاب، بدان معنا و مفهوم نیست که آن متون صد در صد ماهیت و اصالت محتوای آن فصل را دارا باشد. از باب نمونه، گاهی ممکن است نویسنده‌ای متنی را منحصرأ در ارتباط با ادبیات غنایی بداند در حالی که امکان دارد همان متن، در بردارنده‌ی مفاهیم و مضامین ادبیات تعلیمی، عرفانی و دیگر انواع ادبی نیز باشد.

نتیجه این که انواع ادبیات، وجوه و درون مایه‌ی مشترکی دارند و همین امر موجب

شده که استادان ادب پارسی در این که یک متن با فلان نوع ادبیات، نسبت و ارتباط کامل داشته باشد، تردید روا دارند. جان کلام اینکه اگر در یکی از فصل‌های کتاب بر متونی چون: حماسی، غنایی، تعلیمی، عرفانی و ... تمرکز شده است، بدین خاطر بوده تا همچنان، هماهنگی و انسجام مطالب هر فصل تا آن جا که مقدور بوده رعایت شده باشد. نکته‌ی پایانی این که سعی نگارنده بر آن بوده از متونی در این کتاب استفاده شود که مضامین آن متون از جنس ادبیات حماسی، غنایی، تعلیمی، عرفانی و ... باشد.

نگارنده‌ی این کتاب، آغوش جان خود را به روی نسیم نقد و نظر استادان و صاحب نظران گرامی می‌گشاید و از پیشنهادهای سازنده‌ی اهل نظر در اصلاح کاستی‌های این کتاب استقبال می‌کند. از همکار و پژوهشگر گرانقدرم در دانشگاه، جناب دکتر خسرو شفیعی مطلق که در تبویب این مجموعه به یاری‌ام شتافتند و چراغ مهرشان را فرا رویم گشودند، بسی سپاسگزارم.

نگارنده‌ی کتاب آینه‌های جاری

یادهای سبز

در دل نوشته‌ایم ترجیع بندشان
چون شمس و مولوی ورد زبان شدند
تا اوج آسمان پیچیده نامشان
بر قلعه‌ی ادب بی‌ادعاه‌ترین
لابد گر آدمی یک روز مردنی‌ست
کی گفته مرده‌اند سعدی و مولوی؟
کی گفته شاعران از یاد می‌روند؟
حافظ نمی‌رود از خاطر دلم
کی خشک می‌شود از ریشه باغشان؟
این یادهای سبز کی می‌رود ز یاد؟
این جاودانه‌ها روشن‌ترین شدند
اینان به جز خدا دلبر نداشتند
دیگر بر ایمان نجوا نمی‌کنند
خالی‌ست جاده‌ها از رد پایشان
رفتند با شتاب با گِل قرین شدند
فریاد می‌زنند یا رب العالمین
برخی ز لحظه‌ای در احترامشان
وقتی که می‌رسم گاهی کنارشان
تا روز واپسین این سلسله، تمام

جاری‌ست مثل آب، شعر بلندشان
هرچند زیر خاک از ما نهان شدند
ما هم نشسته‌ایم در احترامشان
در کنج انزوا هم آشناترین
شاعر همیشه هست حقا که مرده نیست
تا هست بوستان تا هست مثنوی
یا چون ستاره‌ای خاموش می‌شوند
گویی نشسته او، هر شب مقابلم
یا کور می‌شود روزی چراغشان
هرچند بگذرد از عمر ما زیاد
مثل پیمبران، سهم زمین شدند
ز این عشق آتشین، دل برنداشتند
ساغر تمام شد لب و نمی‌کنند
این کوچه‌ها هم از شور صدایشان
در آن سکوت سرد، تنهاترین شدند
ایاک نهی ایاک نستعین
با حمد و سوره‌ای بهر تمامشان
می‌بوسم از دلم سنگ مزارشان
نام بلندشان باقی‌ست والسلام

(از مجموعه اشعار ردّ پای باران - اثر نگارنده‌ی کتاب آینه‌های جاری)

تحمیدیه (ستایش ایزد پاکی‌ها و پیشوایان دین (ع))

برخی از نویسندگان و شاعران، سرآغاز کتاب خود را با حمد و ستایش خداوند متعال، پیامبر (ص) و پیشوایان دین می‌آرایند. آنان این کار را هم نشانه‌ی عشق و دلبستگی به خدا و اولیایش می‌دانند و هم از این راه، اثر خود را متبرک می‌سازند.

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری عارف و شاعر قرن هفتم هجری در منطق الطیر، سخن خود را در ستایش خداوند، این چنین آغاز می‌کند:

آفرین، جان آفرین پاک را	آنکه جان بخشید و ایمان، خاک را
عرش را بر آب، بنیاد او نهاد	خاکیان را عمر بر باد او نهاد
آسمان را در زبردستی بداشت	خاک را در غایت پستی بداشت
آن یکی را جنبش مدام داد	وان دگر را دایماً آرام داد
آسمان چون خیمه‌ای برپای کرد	بی‌ستون کرد و زمینش جای کرد
کرد در شش روز، هفت انجم پدید	وز دو حرف آورد نه طارم پدید
روح را در صورت پاک او نمود	این همه کار از کفی خاک، او نمود
گاه گُل در روی آتش دسته کرد	گاه پل بر روی دریا بسته کرد
نیم پشه بر سر دشمن گماشت	بر سر او چار صد سالش بداشت
عنکبوتی را به حکمت دام داد	صید عالم را درو آرام داد
ای خرد در راه تو طفلی به شیر	گم شده در جست و جوی عقل پیر
نه تو در علم آیی و نه در عیان	نی زیان و سودی از سود و زیان
گم شدم در بحر حیرت ناگهان	زین همه سرگشتگی، بازم رهان

منطق الطیر عطار نیشابوری